###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**قدرت سحرآمیز درمانی (هومیوپاتی)**

**فهرست مطالب**

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان  | **صفحه** |
| تاريخچه هوميوپاتی | 2 |
| داروهای هوميوپاتی | 4 |
| چه بيماريهايی از طريق هو ميوپاتی درمان می شوند؟ | 6 |
| فلسفه هوميوپاتی ۱  | 8 |
| فلسفه هوميوپاتی۲ | 10 |
| مخالفان هوميوپاتی ! | 12 |
| مثالهايی از درمان هوميوپاتی | 16 |
| هوميوپاتی و پيشگيری | 17 |
| شفا يا سرکوب درمانی | 19 |
| تئوری شعور | 21 |
| مصاحبه هوميوپاتی | 23 |
| ميزان موفقيت و طول درمان در هوميوپاتی | 25 |
| پديده تشديد در هوميوپاتی | 28 |
| پرهيزها در هوميوپاتی | 31 |
| هوميوپاتی و کودکان | 32 |
| چرا هوميوپاتی شناخته شده نيست؟ | 34 |
| مزيتهای هوميوپاتی به درمانهای رايج | 36 |
| هر انسانی منحصر به فرد است | 39 |
| اهميت روح و روان در بروز بيماريها | 41 |
| دارو همچون بيماری! | 42 |
| آزمون دارويی (prooving) | 44 |
| هميت علائم بيماری در هوميوپاتی | 46 |
| نامگذاری بيماريها در هوميوپاتی | 48 |
| نمونه ای از جادو درمانی در جنوب ایران | 49 |
| مراجع | 56 |

**تاريخچه هوميوپاتی**

اگر چه سابقه استفاده از اصل تشابه در درمان بيماريها قدمتی چند هزار ساله دارد اما کشف آن به صورت يک اصل علمی و بر اساس تجارب دقيق بالينی در اوايل قرن نوزدهم واقع شد .
در اين زمان پزشکی آلمانی به نام دکتر ساموئل هانمان زندگی می کرد . دکتر هانمان از نظر شخصيتی مردی بسيار دقيق . منظم. و منطقی و معتقد به اصول اثبات شده علمی بود. در عصر او پزشکی کلاسيک هنوز فاصله بسيار با وضعيت فعلی داشت و داروها بدون آنکه شناخت کاملی از آنها بدست آمده باشد و بصورت دز های بالا استفاده می شد به گونه ای که در درصد بسيار ی از موارد خود منجر به آسيب و حتی فوت بيمار می شد روشهايی چون خون گيريهای فراوان و تنقيه کاربرد بسيار داشت .

درچنين ايامی دکتر هانمان به شدت از پزشکی کلاسيک زمانش نااميد شد . ذهن دقيق و علمی او نميتوانست اين وضعيت را تحمل کند به گونه اي که بعد از مدتی طبابت را به کناري نهاد و به ترجمه کتب خارجی پرداخت.

در يکی از کتبی که وی ترجمه می کرد به مطلبی در مورد داروی مالاريا به نام گنه گنه(کينين) برخورد کردکه جديدا کشف شده بود و اثر درمانی خوبی بر روی مالاريا داشت. در آن کتاب علت اثر درمانی اين دارو تلخ بودن اين دارو ذکر شده بود! که برای هانمان به هيچ وجه دليل قابل قبولی نبود. او خود دست به يک سری آزمايشات بر روی اين دارو زد.
در اين تحقيقات متوجه شد که با مصرف اين دارو دچار تبی مشابه مالاريا می شود اين آزمايش را چندين بار بر روی خود وبعَضی از دوستانش تکرار کرد و هر بار به همان نتيجه رسيد.

اين فرضيه در ذهنش شکل گرفت که علت شفا بخشی کينين اين است که می تواند خود در يک بدن سالم ايجاد بيماری مشابه مالاريا کند سپس وی اين آزمايش را با مواد ديگر انجام داد و به همان نتيجه دست يافت براي مثال مصرف آرسنيک می توانست اسهالي آبکی و شديد ايجاد کند و در عين حال قادر به درمان يک اسهال مشابه همچون وبا بود
اين مشاهدات او را به اولين کشف بزرگش يعَنی اصل تشابه رساند (هر عاملی که بتواند در بدن سالم ايجاد بيماری کند می تواند بيماری با علائم مشابه را درمان نمايد)
اولين اشکالي که هانمان به آن برخورد کرد سمی بودن اکثر موادی بود که او با آنها به نتيجه رسيده بود در حقيقت او از خاصيت سمی آنها استفاده کرده بود ولی اين مسئله می توانست خود باعث عواقب بعدی باشد در اينجا او تصميم به رقيق کردن داروها نمود تا ببيند آيا می تواند با کاهش رقت داروها باز هم از اثر درمانی آنها برخوردار شود يا نه؟ او برای اين کار بعد از هر بار رقيق کردن به دفعات منظم شيشه محلول را به شدت تکان می داد(۱۰ بار در هر بار رقيق کردن)در اينجا بود که او به دومين کشف خود نائل شد. او متوجه شد که با هر بار رقيق سازی(يک به ده) و تکان دادن نه تنها اثر سمی دارو کاهش می يابد بلکه اثر درمانگر آن بيشتر می شود!

وی اين کار را تا رقتهای بسيار زياد ( ۱۰ به توان ۳۰) انجام داد و هر بار اثر درمانی بهتر و آثر سمی کاهش و در نهايت از بين رفت .

داروهايی که به اين شکل بدست آمده بود در فرد سالم تنها يک بيماری زود گذر و بدون هيچ عارضه ای ايجاد ميکرد و در عوض بيماران را به سرعت و به نرمی شفا ميداد.
بعد از آن وی فقط از اين داروها جهت درمان سود می جست. او به کمک همکارانش و به مدد احاطه کاملی که بر انواع سموم و داروها داشت بتدريج ليست داروهای هو ميو پاتی را گسترش داد به گونه ای که تقريبا برای تمامی بيماريها می توانست دارويی بر اساس اصل شباهت پيدا کند

در حقيقت علم هو ميوپاتی تماما مديون اين انسان بزرگ است وی در طول ساليان عمر طولانی اش رنجهای بسيار از مخالفانش کشيد اما هيچگاه عقب نشينی نکرد به گونای که در ساليان پايان عمر به فرانسه هجرت کرد . آوازه او و علم هوميوپاتی سراسر اروپا را درنورديد به طوری که بيماران از اقصا نقاط اروپا به مطب او واقع در پاريس می آمدند
وی شاگردان بسيار تربيت نمود و تا آخرين سالهای عمر در حال تحقيق بود.او گفته بود من روزی را آرزو می کنم که علم پزشکی در حد علوم رياضی دقيق باشد.
آرامگاه وی در آرامگاه مشاهير در پاريس می باشد بر سنگ قبر او نوشته شده است -خوشحالم که زندگی ام بيهوده نبود-

مردی که بسيار از زمان خود پيش بود

بعد از هانمان شاگردان او اين علم را گسترش دادند اما پيشرفتهای پزشکی کلاسيک در زمينه بيماريهای عفونی باعث به حاشيه رانده شدن اين علم شد تا اينکه در دهه های اخير با تغيير ديدگاه بشر و مشاهده ناکاميهای مکرر طب رايج با سرعت رو به گسترش نهاد.
اينک هوميوپاتی در ۴۳ کشور جهان به صورت رسمی پذيرفته شده است و مدارس و دانشگاههای بسياری آن را آموزش می دهند و و هر روزه هزاران هزار بيمار از اين طريق شفای خود را باز می يابند . و اينک هو ميوپاتی اميدی تازه برای هر انسان دردمندی است